

== سرزمین شهیدان ==

(در فرانسه)

اواخر اکتبر سال ۱۹۳۲ میلادی درست ۱۲۰۰ سال از حادثه‌ای میگذشت که بزرگترین و عمیق‌ترین اثر را در تاریخ اسلام و مسیحیت برجای گذاشت. و بطرز بسیار ناگواری سرنوشت اسلام و مسیحیت را تغییر داد.

این حادثه بزرگ عبارت بود از جنگ «سرزمین شهیدان» که در تاریخ فرانسه معروف به «پیکارتور» یا نبرد پواتیه است، و آن جنگی بود که میان سربازان اسلام و فرانسویان در دشت‌های فرانسه و کرانه‌های رودخانه لوار (Loire) در اکتبر سال ۷۳۲ میلادی بوقوع پیوست.

با اینکه ۱۲۰۰ سال از واقعه «سرزمین شهیدان اسلام» گذشته و چهره تاریخ دگرگون شده بود و افزون از چهار قرن ونیم است که آثار اسلامی از مغرب اروپا و اسپانیا از میان رفته است، معذک یاد «سرزمین شهیدان» هنوز در غرب زنده است و همچنان وقایع و آثار تاریخی آن از دیدگاه مورخان غربی مورد تقدیر و مطالعه قرار میگیرد.

گذشت ۱۲۰۰ سال از واقعه «سرزمین شهیدان اسلام» خاطره‌ای پدید می‌آورد که بخاطر آن هنوز در فرانسه همه ساله جشن‌ها می‌گیرند و آنرا مورد بحث و بررسی قرار میدهند.

این مطالعات و بررسی‌ها همگی بر محور این جمله قدیمی میگردد که اروپائیان گفته‌اند: «اگر اسلام در دشت‌های «تور» عقب نمی‌نشست، امروز

از کیش عیسوی در اروپا خبری نبود و بکلی در جهان ریشه کن میشد. اسلام بر اروپا سیادت پیدا میکرد، و اروپای شمالی هم اکنون از فرزندان ملل سامی با چشم‌های درشت و سیاه و موهای مشکی، بجای فرزندان ملل آریائی بارنگ‌های سرخ و موهای زرد و چشم‌های آبی، موج می‌زد.

این حادثه بزرگ و این بادآوری‌ها و بررسی‌ها که آنرا همچنان باقی گذاشته است، موضوع مقاله ما در این فصل است، و اینک ما مقدمات و تفصیل آنرا با استفاده از موق‌ترین منابع اسلامی و غربی، مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهیم. خواننده نیز بعد از شرح و تفصیل آن متوجه میشود که ممکن است تاریخ اسلام، حادثه‌ای بزرگتر و پراهمیت‌تر از واقعه «سرزمین شهیدان» برای ما پیش نیآورد!

* * *

مسلمانان، کشور اسپانیا واقع در جنوب اروپا را فتح کردند. سلطنت «وزیگت‌ها» را در سال ۹۱-۹۲ هجری (۷۱۰-۷۱۱ میلادی) بوسیله دو فاتح بزرگ و طارق بن زیاد، و «موسی بن نصیر» به غنیمت گرفتند، و از آن زمان کشور اسپانیا مانند مصر و آفریقا یکی از استان‌های امپراطوری اسلام بشمار آمد!

فرمانروایان اسلام یکی پس از دیگری از جانب خلفای دمشق منصوب گشتند و بنظم امور کشور مفتوح پرداختند و جنگجویان اسلام را به آن سوی سلسله جبال «پیرنه» اعزام داشتند.

هنوز بیست سال از فتح اسپانیا (اندلس) نگذشته بود که مسلمانان توانستند ایالات جنوب فرانسه را تصرف نمایند، و بردشتهای اطراف رود رن (Rhone) دست یابند و در قلب فرانسه تا نقطه دوردستی پیش روند.

ولی با کمال تأسف اسپانیا که تازه به قلمرو اسلام پیوسته بود، دیری نپائید که دستخوش فتنه و آشوب و زدو خوردهای قبیله‌ای گردید. مسیحیت که رفته رفته از صدمه‌ای که دیده بود بیدار میشد، خود را آماده مبارزه و مقاومت می‌نمود.

اعراب مسلمان نیز پس از پیروزی که بدنبال اشغال جنوب فرانسه، بدست آورده بودند، در جنگ تولوز برای نخستین بار در ذی‌الحجه سال ۱۰۲ هجری از قوای «فرانک» شکست خوردند و فرمانده آنها سمح بن مالک خولانی کشته شد، آنگاه با ازدست دادن سردار بزرگ خود و شهادت عده‌ای از امرای سپاه ناگزیر بشهرهای «سبستمانیه» عقب نشستند.

بعد از این واقعه تا مدت ده سال اندلس یعنی اسپانیای اسلامی با شورش‌ها و کشمکش‌ها دست بگریبان بود. در نتیجه فتوحات اسلامی متوقف گردید و فرماندهان سرگرم کارهای

بیهوده و زودخوردهای داخلی بودند . تا اینکه در ماه صفر سال ۱۱۳ هجری ، عبدالرحمن - ابن عبدالله غافقی بفرمانروائی اسپانیا منصوب شد .

ما اطلاع زیادی از زندگی قبلی عبدالرحمن غافقی نداریم ، ولی میدانیم که وی از جمله (تابعین) یعنی شاگردان صحابه پیامبر اسلام (ص) است که وارد اسپانیا شدند ، و بعد هم می بینیم که از سران قبایل یمن ساکن اسپانیا و یکی از بزرگان سپاه اسلام مقیم آنجا بشمار آمد (۱) و می بینیم که بعد از واقعه جنگ «تور» به پیشنهاد سران سپاه ، فرماندهی لشکر و فرمانروائی اسپانیا را بمدت چند ماه بعهده گرفت تا اینکه در سال ۱۱۳ از طرف خلیفه دمشق برای دومین بار بفرمانروائی اسپانیا منصوب گشت آنچه مسلم است «عبدالرحمن غافقی» افسری بزرگ و عالی مقام بود . شخصیت نظامی او در جنگهای «گالیسیا» بظهور رسید . علاوه بر این وی حکمرانی شایسته و آشنای باموردولت و اداره مملکت و مردمی دورانندیش و اصلاح طلب بود . بدون تردید عبدالرحمن غافقی از کلیه فرمانروایان اسپانیا بزرگتر و شایسته تر بود .

تواریخ اسلام شایستگی و روشن بینی و عدالت خواهی و بردباری و پرهیز کاری او را گواهی نموده است . بهمین جهت نیز کلیه مردم اسپانیا از انتصاب او خوشحال شدند ، و سپاهیان نیز بخاطر دادگری و مهربانی و نرمشی که داشت او را دوست میداشتند (۲) مهابت وی باعث گردید که قبایل عرب به اتفاق او را بپذیرند ، و مضریها و حمیریها از انتصاب وی خشنود گردند و یک نوع همکاری و وحدت و سازش میان مقامات کشوری و لشکری پدید آمد و از اینجا نیز اسپانیا دوره نوینی را آغاز کرد .

* * *

عبدالرحمن غافقی برنامه کار خود را با گردش در اقلیمهای مختلف اسپانیا شروع کرد شئون زندگی مردم را تنظیم نمود و اداره امور دولت را به رجال کاردان و دادگسترواگذار کرد . تا آنجا که توانست فتنهها و بی عدالتیها را ریشه کن ساخت ، و کلیساها و املاک مسیحیان را به آنها بازگردانید . امور مالیاتی را تعدیل کرد و پرداخت آن را برای عموم طبقات با رعایت عدل و مساوات لازم دانست .

۱- اعراب مسلمانی که اسپانیا را فتح کردند و در آن کشور سکونت ورزیدند ، دوتیره بودند : اعراب قیسی و اعراب مضری یمنی . قیسیها یا حمیریها در شام میزیستند و سنی و پیرو بنی امیه بودند . ولی مضریها شیمه و علاقمند بخاندان پیامبر بودند . عبدالرحمن غافقی از مردان مشهور و قبیله اخیر یعنی قبیله مضری یمن بود .

۳- فتوح مصر - ابن عبدالحکم ص ۱۲۷-۲۱۶ جذوة المقبس حمیدی ص ۷

بدینگونه حکمران دورانیش آغاز فرمانروائی خود را صرف اصلاح ادارات دولتی و ترمیم نگرانی‌های عمومی و بی‌نظمی‌های فرمانروایان پیش از خود نمود .
اصلاح امور ارتش و تنظیم کار آنها را مورد توجه مخصوص قرارداد . از ایالات گوناگون نیرو بسیج کرد و سپاه جدیدی از جنگجویان برگزیده «بربر» زیر نظر نخبگان افسران عرب بوجود آورد .

پایگاه‌ها و مرزهای شمالی کشور را تحکیم و تقویت نمود تا هرگونه شورش و انقلاب داخلی و حملات خارجی را سرکوب و دفع نماید .

شورش داخلی برای اولین بار در شمال اسپانیا در گرفت ولی آن بار بوسیله حکمران مسلمان ایالات شمالی که عرب اورا « منوسه » می‌نامد و فرانسوی هابوی (munuza) یا (munez) میگویند سرکوب شد .

بنظر میرسد که این « منوسه » از سران بربرهای افریقا بود که هنگام فتح اسپانیا همراه طارق بن زیاد وارد اسپانیا گردید ، و بعدها بحکومت ایالات « سبستمانیه » رسید .
آتش اختلاف از همان اوائل فتح اسپانیا میان عرب‌ها و بربرهای افریقا شعله‌ور گردید بربرها کینه عرب‌ها را بدل داشتند . زیرا می‌دیدند که قسمت عمده فتح اسپانیا بوسیله آنها انجام گرفت ، ولی در عوض عرب‌ها به غنائم فراوان و مناصب دولتی نائل گشتند .

« منوسه » مردی طمعکار بود و نسبت به هم‌نوعان خود تصصب شدید میورزید . او انتظار داشت بحکومت اسپانیا برسد یا بنحوی بر آن کشور دست یابد . به همین جهت پیوسته دنبال فرصت می‌گشت تا دست بانقلاب و شورش بزند .

او در اثنای حملات یا مسافرت‌هایش در ایالت « اکیثانیه » با « دوک » حکمران مسیحی آنجا برخورد نمود و با وی تفاهم کرد . این « دوک » وقتی دید خطر فتوحات اسلامی مملکت اورا در معرض تهدید قرارداد است ، سعی کرد با مسلمانان صلح کند .

« شارل مارتل » وزیر دربار فرانسه این موضوع را بهانه کرد و به « دوک » مزبور اعلان جنگ داد . زیرا از نفوذ و استقلال دوک بیم داشت . از اینرو دوبار در قلمرو او « اکیثانیه » جنگید و دوک را شکست داد .

در حقیقت « ایودیس » دوک نامبرده میان دو آتش واقع شده بود . از فرانسه در شمال و از مسلمانان در جنوب وحشت داشت . شارل مارتل اورا تهدید کرد و در سال ۷۳۱ به قلمرو او حمله برد ، درست در وقتیکه « منوسه » سعی میکرد با وی هم پیمان شود و بکمک او منظور خود را برای قیام بر ضد حکومت اسلامی اسپانیا ، تحقق بخشد و ایالات شمالی را مستقل سازد .

« دوک » از این اتحاد استیصال کرد و دختر زیبای خود « لامبجیه » را به مسری « منوسه » درآورد . برخی از روایات میگویند که « منوسه » دختر پادشاه فرانسوی و اکیثانیه ، را به اسارت گرفت و بعد سخت بوی دل بست و با وی ازدواج کرد . آنچه مسلم است با این ازدواج میان دوک « اکیثانیه » و سردار مسلمان پیوند خویشی پدید آمد .

« منوسه » منظور خویش را در زیر پرده صلح با فرانسویان پنهان ساخت . ولی عبدالرحمن غافقی در نیت و عمل این شورش تردید داشت به همین جهت پیمان صلح او را رد کرد پس لشکری بفرماندهی « ابن زیان » برای حفظ ایالات شمالی از خطر تجزیه اعزام داشت .

با رسیدن این لشکر « منوسه » بشهر « باب » واقع در یکی از دره های جبال « پیرنه » گریخت . ولی « ابن زیان » قدم به قدم به تعقیب وی پرداخت تا اینکه او را دستگیر نمود و در حالیکه از جان خویش دفاع میکرد بقتل رسید . زنا و « لامبجیه » نیز اسیر گردید و بدربار دمشق فرستاده شد و بعد با یکی از امرای مسلمان ازدواج کرد (۱) ناتمام

۱ - زندگانی « لامبجیه » از داستانهای خیالی آمیخته شده و دسناویز خوبی برای نویسندگان و شاعران گشته است ولی مسلم است که بیشتر این داستانها جنبه افسانه ای دارد.

آیا میدانید

نور آفتاب در پاره ای از کرات منظومه شمسی مانند پلوتون و نپتون بقدری ضعیف است که ابداً شباهتی به آفتاب ما ندارد بلکه بیشتر شبیه ماهتاب (و شاید ماهتابی کمرنگ !) می باشد و بهمین دلیل احتمال وجود موجودات زنده ای مانند موجودات کره زمین در آن کرات ابداً قابل قبول نیست .